

## حسرت پیدا بر دل کارگران



پنجشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۲  
 ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵  
 ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳  
 سال نوزدهم  
 شماره ۵۵۳۹  
 ۸ صفحه  
 ۵۰۰۰ تومان

«ابتکار» تشکیل ائتلاف دریایی علیه حوثی‌های یمن را بررسی می‌کند

## دریای سرخ در نقطه جوش

گروه بین الملل – لوید آستین وزیر دفاع آمریکا باامداد سه‌شنبه اعلام کرد که ائتلافی چندملیتی برای مقابله با عملیات‌های ارتش یمن در دریای سرخ ایجاد شده است. آستین طی بیانیه‌ای گفت که این ائتلاف علاوه بر آمریکا، شامل انگلیس، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، نروژ، هلند، کانادا، بحرین و سیشل می‌شود.

به نوشته خبرگزاری آسوشیتدپرس، وی ادامه داد: کشورهای شرکت کننده در این ائتلاف به گشت‌زنی مشترک در جنوب دریای سرخ و خلیج عدن می‌پردازند.

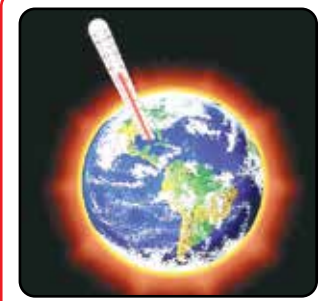
وزیر دفاع آمریکا مدعی شد: افزایش حملات اخیر حوثی‌ها در دریای سرخ جریان آزاد تجارت را تهدید کرده، قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند و نیاز به اقدام جمعی دارد. طبق این گزارش، آستین با ادعای اینکه عملیات ارتش یمن علیه کشتی‌های مرب‌بیط با رژیم صهیونیستی یک چالش بین‌المللی است و نیاز به اقدام جمعی دارد، افزود: «هدف ائتلاف جدید تضمین آزادی دریاوردی و ارتقای امنیت منطقه‌است.

به گزارش فارس، ارتش یمن بعد از حملات گسترده ارتش رژیم صهیونیستی به نوار غزه تاکنون توانسته در حمایت از مردم فلسطین چندین کشتی اسرائیلی یا کشتی‌هایی را که مقصد آن‌ها اراضی اشغالی است، هدف حمله قرار دهد.

در هفته‌های اخیر به موازات تشدید حملات رژیم اسرائیل علیه غزه، ارتش یمن عرضه را بر کشتی‌های اسرائیلی که قصد عبور از تنگه باب‌المندب در دریای سرخ دارند را تنگ‌تر کرده و پیش از این هم با پهپاد و موشک، اراضی اشغالی فلسطین و به طور مشخص بندر ايلات را هدف قرار داده است.

۴۰ درصد تجارت بین‌المللی جهان از طریق این تنگه که بین یمن، در منتهی الیه جنوب غربی شبه جزیره عربستان و قاره آفریقا می‌گذرد، انجام می‌شود.

شرح درصحه



گرم‌ترین سال تاریخ گرمایش زمین پیش روی بشریت

### هواشناسی

### ترسناک

صفحه



مسئولین «هتل» و «فسیل» را دوست دارند؟

### سینما متفکر در حال

### احتضار

صفحه



رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد

### اتهامات طرف مقابل

### واقعیت ندارد

صفحه

#### خبر

#### پاسخ وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی به یک گزارشی روزنامه ابتکار



در پاسخ به مطلب منتشره با عنوان: «بررسی وضعیت آشفته افزایش دستمزدها در بودجه / مار و پله تورم و حقوق» مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۴، توضیحات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شرح زیر ارسال می‌گردد. مقتضی است برابر قانون مطبوعات نسبت به درج آن اقدام لازم به عمل آوئند. با توجه به شرح وظایف این وزارتخانه، موارد زیر را به اطلاع خوانندگان محترم روزنامه می‌رساند.
۱- با عنایت به ماده (۴۱) قانون کار، شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را تعیین نماید. شورای عالی کار که به موجب ماده ۱۶۷ قانون کار تشکیل می‌شود نهادی سه‌جانبه بوده و در آن علاوه بر نمایندگان دولت، نمایندگان تشکل‌های عالی کارگری و کارفرمایی نیز عضویت دارند و تصمیمات آنان به منزله تصمیم و نظر موکلین آنها (کارگران و کارفرمایان سراسر کشور) است. در واقع ساختار پیش‌بینی شده در مواد ۴۱ و ۱۶۷ قانون کار به نحوی است که تصمیم‌گیری با رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی و با چانه‌زنی همراه است و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تنهایی در تعیین آن نقش ندارد. لذا با توجه به ترکیب شورای عالی کار در جلسات، تعیین حداقل مزد براساس قوانین و مقررات و ضوابط جاری کشور و رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی بوده و اعضای دولت در شورای عالی کار به عنوان اعضای بی‌طرف و مرضی‌الطرفین با اقتناع ساری شرکای اجتماعی نسبت به همکاری با نمایندگان کارگران و کارفرمایان در بررسی موضوع تعیین حداقل مزد اقدام نموده و حداقل مزد با اجماع و توافق اعضای شورای عالی کار تعیین می‌گردد. لازم به ذکر است هر چند مطابق با ماده (۵) دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار، مصوبات شورا با اکثریت آرا اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود لیکن مصوبات شورا در تعیین حداقل مزد برای تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۲ با اجماع نمایندگان همراه بوده است.

۲- همه ساله در تعیین حداقل مزد، اعضای شورای عالی کار ضمن مطالعه و بررسی وضعیت و اقتضات بنگاه‌های اقتصادی به تحلیل شرایط موجود پرداخته و با در نظر گرفتن حفظ اشتغال و صیانت از نیروی کار، توان پرداخت صنایع و تناسب بین حقوق و دریافتی شاغلین و مزدبگیران بخش دولتی و بخش خصوصی نسبت به تعیین مزد اقدام نموده‌اند. لذا در تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۲ اعضای شورای عالی کار علاوه بر ملاحظات موصوف، تأکید بر افزایش بیش از پیش قدرت خرید این قشر زحمتکش نموده‌اند تا از یک سو با کاهش شکاف از سوی دیگر موجب افزایش انتظارات تورمی نگردد زیرا مهمترین عامل در کاهش قدرت خرید کارگران، افزایش نرخ تورم است.

۳- ضمن اذعان بر این امر که مهمترین خواسته کارگران در زمینه مزد، حفظ قدرت خرید و افزایش مزد واقعی آنان است و حفظ قدرت خرید کارگران از طریق افزایش مزد و کاهش نرخ تورم امکان‌پذیر است، لذا با توجه به اینکه حداقل مزد از متغیرهای اقتصاد کلان است، افزایش آن بدون توسل به دیگر روش‌های تکمیلی- حمایتی و اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی به منظور مهار و کاهش تورم، نمی‌تواند به خودی خود سبب افزایش سطح درآمد واقعی و بهبود معیشت کارگران شود.

۴- اصل سه‌جانبه‌گرایی یکی از اصول مهم در حقوق کار محسوب می‌شود. لذا بهترین روش قانونگذاری در خصوص جامعه کارگری و کارفرمایی روشی است که منجر به تدوین قوانین مربوط از طریق طی فرایند گفتگوی سه‌جانبه و در نهایت حصول اجماع نرخ تورم امکان‌پذیر است، لذا با توجه به اهمیت و لوابیح قانونی مؤثر در رابطه کارگری و کارفرمایی که از طرف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه و پیشنهاد می‌گردد، با رویکرد سه‌جانبه‌گرایی و با تشکیل جلسات مشترک و بهره‌گیری از ظرفیت نمایندگان تشکلات عالی کارگری و کارفرمایی صورت می‌پذیرد.

#### یادداشت



مسعود نصیری

امروزه فضای مجازی راهکاری برای ارتباط موثر و قوی اما واقعا مجازی و غیر حقیقی برای مردم دنیا شده است تا جایی که اگر دنیا فیلم آواز خواندن پیر مرد گیلکی را ببینند جامعه ایرانی را با همین یک فیلم قضاوت می‌کنند، گویی شادی مطلق بر جامعه سایه افکنده است. آلبیرکامو در رمان طاعون می‌گوید هنگامی که طاعون به شهر رسید به افراد اندکی که مبتلا به طاعون بودن مریض می‌گفتند اما بعد از چند وقت که تمام شهر درگیر و مبتلا به طاعون شدند تعداد اندکی که طاعون نگرفته بودند را بعنوان مریض می‌شناختند. درواقع آلبیرکامو در این رمان می‌گوید در یک جامعه امکان دارد رفته رفته و به مرور زمان جای افراد مریض و سالم عوض شود اما سوال اینجاست که امروزه چه کسی و چه کسانی در جامعه ما مریض هستند و چه کسانی سالم؟

اگر به خوشحالی مردم ایران در دهه هفتاد و هشتاد و حتی دهه نود بعد از صعود به جام جهانی بنگریم می‌بینید که همه مردم باهم خوشحالی می‌کنند و همه مردم سالم هستند مگر آن تعداد اندکی که تمایلی به شادی نداشتند و اصطلاحاً افسرده و مریض هستند اما متأسفانه امروزه و در آستانه قرن جدید و در سال هزاد و چهارصد و دو همه ما همچون طاعون چنان به ویروس ناراحتی و افسردگی و غم دچار و به یک درونگرایی محض و فردا چه می‌شود دچار شده ایم که اگر تعدادی از افراد جامعه شادی کنند و بوق بزنند همچون گیله مردی که به نام صادق بوقی معروف است را مریض میدانیم و او را به عنوان یک انسان آنرمال و غیرعادی به یکدیگر معرفی می‌کنیم، تا جایی که شایعه دستگیری او را باور می‌کنیم زیرا هیچ یک از اطرافیان خویش را در حال شادی و بوق زدن ندیدیم و گمان نمیکنیم صادق بوقی بعنوان یک شخص متمایز از ما دستگیر شده است.

شاید عده ای معروفیت مرد گیلکی را مدیون فضای مجازی بدانند اگر به خوشحالی مردم ایران در دهه هفتاد و هشتاد و حتی دهه نود بعد از صعود به جام جهانی بنگریم می‌بینید که همه مردم باهم خوشحالی می‌کنند و همه مردم سالم هستند مگر آن تعداد اندکی که تمایلی به شادی نداشتند و اصطلاحاً افسرده و مریض هستند اما متأسفانه امروزه و در آستانه قرن جدید و در سال هزار و چهارصد و دو همه ما همچون طاعون چنان به ویروس ناراحتی و افسردگی و غم دچار و به یک درونگرایی محض و فردا چه می‌شود دچار شده ایم که اگر تعدادی از افراد جامعه شادی کنند و بوق بزنند همچون گیله مردی که به نام صادق بوقی معروف است را مریض میدانیم و او را به عنوان یک انسان آنرمال و غیرعادی به یکدیگر معرفی می‌کنیم، تا جایی که شایعه دستگیری او را باور می‌کنیم زیرا هیچ یک از اطرافیان خویش را در حال شادی و بوق زدن ندیدیم و گمان نمیکنیم صادق بوقی بعنوان یک شخص متمایز از ما دستگیر شده است.

#### صادق بوقی سفیر شادی یا غم یک جامعه؟

و گمان کنند فرنگی ها و تمام دنیا صادق بوقی را به واسطه فضای مجازی شناخته باشند اما از نگاه جامعه شناسی باید تفاوت روحیات صادق بوقی را علت معرفیتش دانست در جایی که مردم دیگر همچون دهه هشتاد با او خوشحالی نمی‌کنند بلکه برایش دست می‌زنند تا او خوشحالی کند و تحریم های می‌کنند زیرا دنیای زخم کاری که پلیس و دادگاه و بازپرسی ندارد تا راحت از یکدیگر انتقام بگیرند را بیشتر دوست دارند تا خود را جای بازگری بگذارند که چاقو در قلب تمام اطرافیانش می‌کند شاید فارغ از مشکلات اقتصادی که در تمامی اقشار جامعه وجود دارد و تحریم های اقتصادی را یکی از عوامش باید بدانیم ، روان‌درمانی با نمایش را باید راه حل وضع موجود نامید یعنی همچون دهه های قبل ساخت فیلم های سینمایی و سریال های شاد را در صدر سید خانواده ایرانی در نظر بگیریم.

آری نقی شاد و برونگرایی پایتخت تبدیل به حاتم درونگری غمگین رهایم کن شده هرچند بازیگر همچون آهنگساز که آهنگ شاد و غمگین میسازد باید در ژانر تراژیک هم بازی کند اما همین مثال خلاصه شرایط جامعه ماست که مردم امروزه با حاتم خان غمگین رهایم کن بیشتر از آقا نقی کمدی پایتخت همراز پنداری می‌کنند.

شادی و نشاط باید از درون جامعه و خانواده به وجود آید، اما متأسفانه در کشورمان با توجه به مشکلات اجتماعی بسیار زیادی که وجود دارد، تعاملات اجتماعی به پایین‌ترین سطح خود رسیده و افراد حتی با اعضای درجه یک خانواده خود نیز هیچگونه معاشرتی ندارند، خودمحوری و منفعت طلبی حرف اول و آخر را در جامعه امروز ایران می‌زند و شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید که در چنین شرایطی با جامعه‌شادی روبرو باشید.

آیا میتوان از جامعه ای که تعداد صفرهای یک اختلاس را نمی‌توانند بشمارند توقع شادی داشت؟! یادمان باشد وقتی می‌خواهیم وضع

گزارش «ابتکار» از تصویب کلیات بودجه ۱۴۰۳

### موافقان و مخالفان

### چه گفتند؟

صفحه



آرین احمدی

### سرمقاله



#### پارادوکس فرهنگی؛ درد مشترک این روزها

این روزها بسیار در کوجه و خیابان و از زبان مردم واژه بی‌فرهنگی را می‌شنویم، درصورتی که فرهنگ از میان نمی رود بلکه می‌تواند تغییر کند، از شکلی به شکل بهتر یا بدتر.

این تصویر از فرهنگ که در برخی اوقات و شاید هم اکثر اوقات با آن مواجه هستیم تناقض فرهنگی یا شاید بیان بهترش تناقض رفتاری است که متأسفانه جمعیت قابل توجهی از مردم این روزها دچار آن شده اند.

اما سوال این است چرا این روزها افراد جامعه پارادوکس فرهنگی و پارادوکس رفتاری از خود بروز می‌دهند؟ قطعاً افراد جامعه دچار استحاله ی فرهنگی نشده‌اند، چرا که در برخی موارد کاملاً پای ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌مانند، اما در برخی موارد عجیب است که رفتارهایی متناقض نشان می‌دهند، و همان طور که ذکر شد دچار پارادوکس فرهنگی می‌شوند! چطور ممکن است آن ملتی که در جنگ تحمیلی برای دفاع از سرزمینشان مجاهدتها و رشادتها کردند، آن ملتی که بارها جهادی کار کردند و جهادی زیستند، و یا در وقایع مختلف همچون سیل و زلزله صادقانه پای کار آمدند و همچنان هم می‌آیند بعضی اوقات (بخوانید بیشتر اوقات) بر چشم بهم زدنی تغییر رویه می‌دهند؟

در رانندگی حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند اما جالب آن که بعد از اتمام رانندگیشان به یک محفل دوستانه که می‌رسند صحبت از رعایت اصول و قوانین می‌کنند و از کسانی که قوانین را رعایت نمی‌کنند خشمگین می‌شوند.

ادامه درصفحه

#### بردپرگل استقلال و ایراداتی که هنوز پابرجاست

خواستن را با تلاش و ممارست و به دور از حاشیه صرف کرد و هنگامی که در فینال جام حذفی و بالاجبار توفیق حضور در میدان را یافت به مراتب از دوران فیکس بودنش در زمان فرهاد مجیدی نیز بهتر ظاهر شد، حتی موفق به زدن گل تساوی در دقیقه حساس پایانی آن دربی هم شد؛ در کل عملکرد مطلوبی داشت که کمتر از او دیده بودیم و همگی این‌ها به دلیل انگیزه و تلاش سالم و مضاعف وی برای بازگشت به ترکیب بود تا جایی که امسال او را خواستند ولی عارف غلامی که فصل قبل از مدافعین اصلی بود را نه! نمونه دیگر عادل جردانی است که به رغم بازی در پستی غیرتخصصی، در این ۲ دیدار سربلند از این آزمون بیرون آمده است. جردانی امروز کجا و جردانی قبل از دربی کجا؟

حال چرا امثال مهدی پور، نیک نفس و رضواند هم چنان در مسیر یکنواخت معمولی بودن سپر می‌کنند یا مهری کماکان اصول شوت زنی و تصمیم گیری در شرایط مختلف بازی را نمی‌داند، بابایی هنوز آن بازیکن موثر در تیم‌های قبلی خود نشده، یا سهرابی‌ان به لحاظ فکری و ذهنی اشتباهات قابل ذکری مرتکب می‌شود که می‌تواند بهای سنگینی برای تیمش داشته باشد و رضضانی، جلالی و محمدی به رغم گلزنی، هنوز ضعف‌هایی دارند که مانع بروز کافی پتانسیل آن‌ها شده است؟ سوالی است که باید کادر فنی و خود بازیکنان به دنبال جوابش آن هم در نزد خویش بگردند که اگر به درستی شناخته، رفع و یا اصلاح شود خیلی ایرادات استقلال نیز برطرف می‌شود.